بسم الله الرحمن الرحیم

## اشاره

مبحث دوم در عام و خاص عبارت بود از تقسیم عام به استغراقی، بدلی و مجموعی و گفته‌شده که هم عام و همین‌طور مطلق تقسیم می‌شود به استغراقی، بدلی و مجموعی.

### نحوه حکم در اقسام عام

در استغراقی عام به شکل انحلالی تصور شده است و به‌تبع آن حکم نیز منحل می‌شود به تعدد آن‌ها . در بدلی حکم یکی است اما به وصف بدلیت آمده روی همه افراد فلذا انحلال به نحو مطلق پیدا نمی‌کند بلکه به نحو بدلیت انحلال پیدا می‌کند.

عام مجموعی با آن دو عام متفاوت است در عام مجموعی عام را یک موضوع فرض کردیم، افراد را باهم یکی فرض کردیم، فلذا حکم نیز حکم واحدی است.

این مبحثی بود که مطرح شد.

در اینجا چند مطلب وجود دارد:

### مطلب اول : ملاک تقسیمات سه‌گانه عام

مرحوم صاحب کفایه برخلاف نظر مشهور فرمودند که این تقسیم ناشی از نوع حکمی است که روی موضوع سوار شده است نه اینکه این تقسیم در ذات مفردات و متعلقات به شکل مفهومی قبل از حکم باشد. این فرمایش مرحوم آخوند بود.

نظر مشهور این بود که تفاوت استغراقی،بدلی و مجموعی در رتبه تصوری خود متعلق و موضوع است قبل از آنکه حکمی بیاید و تفاوت حکم ناشی از تفاوتی است که در این رتبه تصوری وجود دارد.

سه نوع می‌شود عالِم را قبل از اینکه حکمی در عالَم باشد به‌عنوان عام در نظر بگیرید :

1. عامی در نظر می‌گیریم که پخش‌شده است در همه به شکل مستوعب و مستغرق.

2. عامی است که پخش است در همه اما یکی از آن‌ها را به نحو نامعین در نظر می‌گیرید. یکی است در این مجموعه

3. یک‌وقت است که این مجموعه را باهم به شکل مرکب واحد در نظر می‌گیرید.

طبق نظر مشهور ابتدا تصور در مرحله موضوع و متعلق است بعد حکم روی این‌ها می‌آید و تفاوت این سه عام به خاطر تفاوت در مرحله تصور موضوع و متعلق است.

نظر دوم که نظر صاحب کفایه بود که به‌عکس می‌گفت . می‌فرمود که عام یعنی مستغرق در این‌ها که همه را می‌گیرد. اما اینکه استغراق و بدلیت و مجموعیت به خاطر این است که حکم شما گاهی ده هزار حکم است که استغراقی می‌شود و گاهی یک حکم است که پخش در این‌ها است و یک‌وقت است که حکم شما یکی است که آمده است روی کل و چون حکم متفاوت است این اقسام متفاوت می‌گردد.

### نظر استاد

تا آنجایی که ارتکازات ما حکم می‌کند همان نظر مشهور درست است . هرچند گاهی رهزن می‌شود که چون حکم کم‌وزیاد شد این موضوع متعدد می‌شود ولی اگر در آنجا هم دقت بشود می‌بینیم که این موضوع و متعلق سه نوع قابل‌تصور است و خیلی وقت‌ها ادات و ابزارهایش هم متفاوت است در عموم استغراقی می‌گوید کل عالم ، ولی در عموم بدلی می‌گوید ای عالم یا احد من العلماء خود این صیغ نشان‌دهنده این است که در خود موضوع و متعلق این عام‌ها متفاوت هستند.

در مرتبه تصور شما عام را می‌توانید به چند نحو تصور کنید. می‌توانید علماء را تصویر کنید که همه باهم یک مجموعه باشند. می‌شود یک مجموعه در نظر نگیرید که پخش می‌شود، در این حالت نیز می‌توانید همه را در عرض هم ببینید یا یکی از همه را در نظر بگیرید.

#### وجه نظر صاحب کفایه

نکته‌ای که در فرمایش صاحب کفایه هست علتش این است که در مواردی نوع حکم یا ویژگی در حکم قرینه می‌شود که ما بفهمیم کدام نوع از عام است . مثلاً درجایی حکم آمده باشد روی عامی و معلوم است که این فرد مکلف نمی‌تواند همه آن عام را انجام بدهد این قرینه می‌شود که یکی از افراد آن عام مقصود بوده است. اگر فرض بگیرید که گفته باشد اگر فلان عمل را در ابطال روزه یا حج انجام دادید بگوید که اعتق الرقاب آنجا معلوم است که حکم ویژگی دارد که کمک می‌کند که ما بفهمیم که موضوع به چه نحوی است چون می‌دانیم که عتق همه رقبه‌ها توسط یک شخص میسر نیست و ما فوری می‌فهمیم که به نحو بدلیت است.

این موارد که حکم خودش قرینه هست که مولا چگونه موضوع و متعلق را در نظر گرفته است شاید زمینه شده است که مرحوم آخوند به این نظر گرایش پیداکرده است. منتها این قرینه بودن در مقام اثبات است و با قطع‌نظر از حکم خود موضوع عام قابل تصویر به سه صورت هست.

### مطلب دوم: هم‌عرض نبودن اقسام سه‌گانه عام

درست است که در ابتدا عام به سه قسم در عرض هم تقسیم می‌شود منتها اگر دقت شود یک تفاوت طولی این سه مورد باهم دارند به این معنی که عام را اگر بخواهیم به نحو ناب در نظر بگیریم بدون هیچ پیرایه‌ای منطبق می‌شود بر استغراقی. العلماء در حالت عادی‌اش منطبق می‌شود بر استغراقی یعنی همه علما. گویا عموم استغراقی همان عموم و اطلاق ناب است حتی در مقام تصوری که ما داریم. اما آن دو قسم یک مؤونه اضافه‌ای می‌خواهد در عام مجموعی گویا اصلاً کلی نیست و کلش یک شخص به‌حساب آمده است. عموم و شمول را دیده‌ایم منتها چیز زائدی بر آن اضافه‌شده و مؤونه زائدی در مقام تصور دارد . در بدلی هم عموم داریم منتها در مفهوم بدلیت قید اضافی هست که آن را بدلی می‌کند . لذا در مجموعی نگاه واحد بر عموم آوردیم که مؤونه زائدی است در بدلیت هم مفهوم احد، یکی نامعین داریم که بااینکه خمیرمایه عموم محفوظ است ولی مؤونه زائدی دارد.

در مطلب اول با مشهور هستیم اما نکته جدیدی در همین مطلب دوم داریم؛ می‌گوییم در عالم ثبوت بااینکه مفاهیم قبل از تعلق حکم به سه قسم استغراقی، مجموعی و بدلی تقسیم می‌شود، ولی باید بدانیم که این سه در عرض واحد نیستند . استغراقی عموم ناب است، اطلاق و شمول خالص دارد، اما در مجموعی و بدلی مؤونه اضافی در تصور ما وجود دارد. به همین دلیل در عالم اثبات نیز بدون وجود قرینه، عموم همان معنای استغراقی را خواهد داشت.

### مطلب سوم: علت تمایز بخش اقسام سه‌گانه

با فرض اینکه استغراقیت، بدلیت و مجموعیت در رتبه تصوری تفاوت دارند، حال سؤال این است که این تفاوت از مدخول ادات عموم استفاده می‌شود یا اینکه خود ادات این تفاوت را افاده می‌کنند؟ مرحوم آقا ضیاء عراقی به این مطلب اشاره‌کرده و مرحوم صدر هم متعرض شده‌اند.

#### نظر مرحوم آغا ضیاء عراقی

مرحوم آغا ضیاء عراقی می‌فرماید که حداقل در بعضی از این اقسام مثلاً در استغراقیت و مجموعیت این شمول برنمی‌گردد به ادات بلکه این لحاظ مربوط به مدخول ادات است ادات عموم می‌گوید: «کل عالم» اما اینکه ما مجموعی بگیریم یا استغراقی این تابع به این است که آن عالم را چگونه در نظر بگیریم. اگر کل واحد در نظر بگیریم می‌شود مجموعی و اگر کل واحد در نظر نگیریم می‌شود استغراقی . درست است که تفاوت استغراقی و مجموعی قبل از تعلق حکم است اما در قبل از تعلق حکم نیز دو چیز داریم ادات عموم داریم که کل است یا جمع محلی به ال یا امثال این‌ها و یکی اینکه مدخول این ادات را داریم . مرحوم آغا ضیاء عراقی می‌فرماید که این تفاوت مربوط به ادات نیست بلکه در مدخول یک تفاوت تصوری داریم وگرنه ادات نقش واحدی را ایفاء می‌کند. در مطلق اکرم العالم یا اعتق الرقبه که از لحاظ ادات که قرائن حکمت باشد یکی است منتها اینکه ما در رقبه یکی از این رقاب را در نظر گرفتیم اما در اکرم العالم همه را در نظر گرفتیم به خاطر ملاحظه مدخول این ادات است.

#### نظر مرحوم شهید صدر

مرحوم شهید صدر در نکته مقابل خواسته‌اند بگویند که ادات باهم تفاوت دارند یکجا می‌گوید کل عالم و یکجا می‌گوید ای عالم و گویا به نحو مطلق تفاوت این‌ها به ادات در نظر ایشان برمی‌گردد .

#### قول به‌تفصیل

در حاشیه تقریرات شهید صدر جناب آقای شاهرودی مطلبی دارند که ما نیز می‌خواهیم بیان کنیم اینکه تفاوت بعضی از این عموم به لحاظ مدخول ادات است و در نکته مقابل که شهید صدر می‌فرماید که ادات متفاوت است که این تفاوت‌ها ایجاد می‌گردد، قول سوم می‌تواند این باشد که تفصیل بدهیم و بگوییم که برخی از موارد ما این تفاوت را از ادات می‌فهمیم مانند اکرم کل عالم با اکرم ای عالم که تفاوتشان به ادات برمی‌گردد. حتی گاهی مجموعی هم دارای ادات متفاوت است مانند اکرم مجموع العلماء که ادات، مفهوم اسمی است یا مثل جمیع العلماء که این ادوات عموم را برای استغراقی و بدلی و مجموعی داریم که این تفاوت‌ها از همین ادات قابل‌استفاده است. گاهی نیز این تفاوت‌ها از ادات قابل‌استفاده نبوده و از مدخول ادات استفاده می‌شود مثل اکرم العلماء که جمع محلی به ال هم می‌تواند مجموعی باشد و هم استغراقی که در این مورد استغراقیت و مجموعیت را از این ادات استفاده نمی‌کنیم بلکه از قرائن دیگری استفاده می‌کنیم. در مورد اکرم العالم با اعتق الرقبه نیز تفاوت از ادات فهمیده نمی‌شود بلکه از قرائن دیگری می‌فهمیم . حق، تفصیل بین دو قول آقا ضیاء با قول مرحوم صدر است.

با آنچه در مطلب دوم گفتیم معلوم شد که تعیین ویژگی استغراقیت و بدلیت و مجموعیت نیاز به تأمل در مقام اثبات دارد و حداقل در آنجاهایی که ادوات عموم به کار برود بدون اینکه مفهوم دیگری قاطی آن بشود اصلش همان استغراقیت است، بردن این موارد به سمت مجموعیت نیاز به قرینه دارد و بدلیت نیز یا نیاز به لفظ ویژه‌ای دارد و یا قرائن خاص عقلی و لبی دیگری باید باشد که بگوید بدلی است. مثل‌اینکه حکم به نحوی باشد که نتواند عام را به‌صورت استغراقی انجام دهد مانند عتق رقبه در غیر این صورت اگر قرینه نباشد همان استغراقیت جاری می‌گردد.

پس اصل در عموم و اطلاق همان استغراق و شمول و استیعاب است الا اینکه واژگان خاص یا قرائن لبیه خاصی باشد، لذا بعید نیست که اصل در عمومات و اطلاقات استغراقیت است الا ما خرج بالدلیل.